

پدر؛ قهرمان جذاب زندگی دختر

● **محیا جعفری** | تأثیرگذارترین افراد در زندگی و سرنوشت هر کودک، والدینش هستند که هر کدام به صورت جداگانه نقش مؤثری دارند. معمولاً در بیشتر مواقع صحبت از نقش مادر و اهمیت او در تربیت کودک می‌شود و کمتر پیش می‌آید که از نقش مؤثر و مفید پدر سخن به میان بیاید. دخترها برخلاف پسرها از پدرها به دنبال نوعی «تأیید» هستند، چون پدر در زندگی دختر اولین مرد است و همین موضوع ناخواسته باعث می‌شود رابطه پدر و دختری اهمیت زیادی پیدا کند. در فرهنگ شرقی، پدر نقش نان‌آور خانواده را دارد و مادر مسئولیت تربیت فرزندان را به عهده دارد. همین امر باعث شده پدر مشارکت کمتری در تربیت فرزندان داشته باشد. به همین دلیل می‌توان گفت یک رابطه مشخص و مناسب هنوز برای پدر و دختر تعریف نشده است.

روان‌شناسان می‌گویند به قدری رابطه پدر و دختر مهم است که روی انتخاب همسرش تأثیر مستقیم می‌گذارد. بسیاری از دختران الگویشان در انتخاب همسر پدرانشان است و بعضی‌ها هم دنبال مردانی هستند که زمین تا آسمان با پدرانشان متفاوت باشد! برای یک دختر خیلی مهم است که پدرش نظر مثبتی درباره لباس تنش بدهد، اگر پدر از زیبایی او تعریف کند دیگر قند در دلش آب می‌شود! با تمام این نکات رفته ایم سراغ دختران و از پدران آن‌ها و رابطه‌ای که دارند پرسیده ایم؛ شاید این نکات، نکات شما هم باشد.

آنچه بهانه‌ای شد
تا سراغ رابطه پدر
و دختری برویم،
دیدن فیلم بی‌بدن
بود، عوامل زیادی
در روند داستان
شکل داشتند؛ ولی
آنچه باعث اعتماد
دختر قصبه به یک
پسر و در نهایت
مرگ او شده بود؛
پدری بود که از
توجه به دخترش
غافل مانده بود.

● مادرم؛ پل ارتباطی

زهر ۲۱ ساله است می‌گوید: زمانی که من احساس کردم چالش بیشتری با پدرم دارم، اواخر دوره نوجوانی و جوانی بود که الان در دوره جوانی هستم و قبل از آن خیلی چالشی احساس نکردم؛ شاید هم داشتم، ولی چون سنم کمتر بود نتوانستم به عنوان چالش درک کنم.

من سعی می‌کنم درک کنم، به صورت کامل هم نه، تا جایی که می‌توانم درک می‌کنم؛ چون مثل هم فکر نمی‌کنیم. من سعی می‌کنم از زاویه او به مسائل نگاه کنم و سعی می‌کنم سنش، وضعیت و دورانی که در آن بزرگ شده است و همه این‌ها را درک کنم. حتی اینکه ایشان خیلی با من متفاوت است و چند نسل فرق می‌کند، چون من خودم به عنوان یک معلم می‌بینم که تفاوت سنی زیادی با شاگردانم ندارم، اما خیلی متفاوت‌تر از من هستند و همین به معنای اختلاف بین نسل است.

من شخصاً نقش مادرم را خیلی در این بین با اهمیت می‌دانم، یعنی شاید اگر مادرم نبود، بعضی جاها یک چیزهایی درست نمی‌شد یا آن‌طور که باید پیش نمی‌رفت. واقعاً مادرم در این بین مثل یک پل ارتباطی تعادل را میان رابطه من و پدرم برقرار کرد.

شاید اگر در برخی موضوع‌ها پدرم سخت‌گیری‌های خاص خودش را نداشت، خیلی بهتر بود و شاید من هم خیلی چیزها را می‌توانستم تجربه کنم یا بابت برخی مسائل نگرانی نداشته باشم.

● پدرم؛ پشت من ایستاده

مهديه دختری دبیرستانی است. او می‌گوید: به طور کلی با پدرم تا الان وارد چالشی نشدم. چون کلاً پدرم موضع مصالحه‌طلبی دارد و همیشه با صحبت کردن‌های منطقی موضوع را برایم شفاف‌سازی کرده است. همچنین هر تصمیمی تا الان گرفتم چه خوب بوده و چه بد و چه مادی چه معنوی حمایت کرده است.

مادرم بیشتر در خانواده ما کنترل‌گر است و اغلب در تصمیم‌ها با مادرم چالش داشتم. در کل پدرم ویژگی شخصیتی خونسردی دارد، اما اگر مقداری توجه و محبتش را بیشتر به صورت کلامی ابراز می‌کرد، رابطه عاطفی قوی‌تری بین من و پدرم برقرار می‌شد.

بهترین ویژگی پدرم مهربان بودن و دست‌ودل‌باز بودنش است. اگر داشته باشد از هیچی دریغ نمی‌کند و اینکه آرامش او باعث آرامش جو خانواده است.

● یک رابطه کاملاً رسمی

نازنین امسال کنکور داده و پشت کنکوری است. او می‌گوید: اغلب زمان‌هایی چالش به وجود می‌آید که من و پدرم اختلاف عقیده و نظر درباره موضوعی داریم. به نظر من علتش هم تفاوت نسل است و معمولاً طرز تفکر و زندگی پدرم و آنچه که قبلاً تجربه کردند الان مناسب نیست. اگر چالشی پیش بیاید من و پدرم سعی می‌کنیم که کوتاه بیاییم، چون در برخی موارد پدرم می‌داند این طرز تفکر فرق می‌کند.

شاید حرف‌های من را نپذیریم، اما سعی می‌کنیم بگویم و نماند داشته باشیم و در نهایت به حرف هم احترام می‌گذاریم. ویژگی مثبت پدر من این است که سعی می‌کند اگر انجام کارهایی با عقایدش متفاوت است، ولی من را از انجام دادنش منع نمی‌کند و سعی می‌کند من را سرزنش نکند. رابطه من و پدرم بسیار شبیه رابطه پدر و دختری سال پیش است، یعنی یک رابطه کاملاً رسمی داریم.

در نسل‌های جدید می‌بینم که پدر و مادران بیشتر با فرزندان‌شان دوست هستند، ولی این صمیمیت را من تجربه نکردم. بیشتر مواقع حرف زدن و تبادل نظرات در یک قضیه برای من و پدرم خیلی کمک‌کننده بوده، اگر نظرمان هم مخالف باشد خیلی راحت مطرح می‌کنیم، اما به همدیگر تحمیل نمی‌کنیم. اگر پدرم آزادی‌های بیشتری که باب میل بود، می‌دادند، خیلی این رابطه پدر و دختری بهتر بود و یک قدم جلوتر می‌رفت؛ به گونه‌ای که پدرم به رفیق شبیه بودند.

● پدرم نقطه امن من است

مریم ۱۸ سال دارد می‌گوید: به نظرم شاید من خیلی تا حالا کاری نکرده باشم شاید بیشتر پدرم سعی کرده به خاطر من کوتاه بیاید یا او سعی کرده به من نزدیک باشد، شاید من تنها تلاشی که بعضی مواقع کردم این بوده که خودم را به جای پدرم بگذارم و درکش کنم. ولی به نظر خودم تا الان در این باره پدرم بیشتر از من تلاش کرده و شاید من خیلی تا حالا تلاشی نکردم برای بهبود رابطه و اگر هم مثلاً به تنشی خوردم و رفع شده بیشتر پدرم در حل کردن آن نقش داشته

